



غلامعلی سبحانی

وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

فرابری پایه و کالت

مقصود همان اعتلاء مقام و کلاء دادگستری است که سالها از آن صحبت میداریم ولی باکمال تأسف نه تنها در خم یک کوچه بلکه در تهیه مقدمات برداشتن قدم اول هستیم. اما این کاری است که با خواست خداوند و همت و کلاء دادگستری عملی خواهد شد ولی اگر خدای ناکرده کار و کالت دادگستری بدین سان و بهمین سامان که هست باقی بماند بایستی گفت. وای برکسانی که اکنون شاغل این مشغله هستند و صد وای برکسانی که پس از این باین جمع خواهند پیوست.

برخی از وکلاء جوان که کسوت شرافتمندانه و کالت دادگستری را برتن کرده اند از این حقیقت غافلند که چه راه پریپیچ و خم و صعوبت العبوری را پیش گرفته اند که هرچند در قدمهای اول بشوق کعبه مقصود بنیروی جوانی مصائب و مشکلات آنرا تحمل میکنند ولی دیر یا زود روزی فرا خواهد رسید که از این کشش و کوششها خسته میشوند آنوقت نه راه رفتن دارند و نه توان برگشتن و باکمال معذرت خواهی عرض میکنم که در آنزمان بایستی در اطاق انتظار انهدام و نیستی بنوبت بنشینند اما وکلانی که در سنین بالاتری هستند کم و بیش با گرفتاریها و مشکلات این شغل عجیب و طاقت فرسا سازش کرده اند و با دلهره ها و ناکامیها و رنجهای این مشغله آشنا شده اند. بالاخره با آن خو گرفته اند. این مطلب گفتنی است که در جامعه و کالت افراد مختلفی وجود دارند که دارای کیفیات گونه گون زندگی هستند و حتی دیدشان نسبت به مشغله مذکور بایکدیگر از یک تا ۱۸۰ درجه اختلاف دارد ولی گفتار ما منحصر بعهده مشخص و معین نیست بلکه مربوط بوکیل دادگستری است هرچند عملا در مشاغل و کارهای دیگر جز و کالت دادگستری باشد و بالاخره گفتار ما مربوط به شخص وکیل نیست مربوط به شغل و کالت دادگستری است و خواه و ناخواه ارتباط کامل با کسی دارد که پروانه و کالت را در دست دارد اعم از اینکه یا دادگستری سروکار دارد یا خیر!

گفتیم مقصود و منظور اعتلاء مقام وکالت دادگستری است ولی راه عملی یعنی راهی را که وکیل دادگستری میتواند طی کند چه راهی است؟ تنها خواستن کافی است؟ یا اینکه خواست بایستی با کردار توأم باشد؟

قبل از ورود در بحث اصلی قضیه ناگزیر هستم دو نوع طرز فکر مردم از ملل مختلف در مورد وکالت دادگستری که خود شاهد آن بوده‌ام بیان دارم و سپس نتیجه‌گیری. که درد کجا است؟ و درمان چیست و دارو کدام است؟

* * *

در سال ۱۹۷۳ که افتخار شرکت در بیست و پنجمین کنفرانس اتحادیه بین‌المللی وکلاء دادگستری (U.I.A) را در شهر مادرید داشتم موقعی که با هواپیما بقصد ترک کشور اسپانیا و ورود بیونان بدعوت یکی از دوستان وکیل بنام آشیل بالیس عازم کشور اخیرالذکر بودم در سمت راست اینجانب در هواپیما یک زن و شوهر امریکائی نشسته بودند که پس از صحبت کردن با نامبردگان معلوم شد که مجاور من مردی صاحب کارخانه ساخت ماشینهای لباسشویی است که کارهای کارخانه را به پسران خود سپرده و با خانمش قصد سیاحت و گردش بدور دنیا دارد وقتی نوبت معرفی اینجانب شد پس از بیان اسم و شهرت و ملیت خود بنامبردگان اظهار کردم که بنده وکیل دادگستری هستم. آقا که حالت احترام آمیزی بخود گرفته بود از جا بلند شد و روبخانش کرده با تحسین و اعجاب بایشان گفت (MR. IS. Lawyer) (آقا وکیل است!) خانم هم اظهار لطفی کرد و از جای خود بلند شد و تبسمی نمود - بنظر میرسید هردو از اینکه یک همسفر وکیل دارند خیلی خرسند و خوشحالند. در فرودگاه المپ از مجاورین خود خدا حافظی کردم و بقصد رفتن بمنزل آشیل بالیس سوار یک تاکسی شدم و نشانی آشیل را به راننده تاکسی دادم راننده پرسش کرد شغل دوست شما چیست؟ پاسخ دادم دوست من وکیل دادگستری است راننده تاکسی در حالیکه شانه‌های خود را با بی‌اعتنائی بالا میانداخت بی‌مقدمه شروع بانقصاد از وکیل و وکالت دادگستری و بی‌ثمر بودن فعالیت آنان در اجتماع نمود من که بحیرت عجیبی فرو رفته بودم و گمان نمی‌کردم یونان پایگاه فلسفه و علم و حقوق و اخلاق، زادگاه و محل پرورش افلاطون و ارسطو و سیسرون و دموستن این چنین قضاوتی در مورد وکیل و وکالت دادگستری داشته باشد و مهمتر اینکه این شغل شریف پایه‌های اولی‌اش در این سرزمین باستانی گذارده شده است با پدیده‌ای ناشناخته و غیرمنتظره مواجه شده بودم و چون نمیتوانستم در این مورد بی‌تفاوت بمانم بفکر بررسی عمیق علل این نظریه برآمدم. با دیدار کشور یونان و مطالعه جوانب مختلفه امر تا حدی مسئله برای من حل شد و نتیجه‌ای که دریافت کردم بطور خلاصه این بود که اصولاًشان و حیثیتی که وکلاء دادگستری در کشورهای مختلفه دارند ارتباط کامل به تمدن و پیشرفت ملل دارد و بستگی مستقیم بارزش و اهمیتی دارد که مردم برای قانون کشور قائلند و بنا باصل کلی که فرع تابع اصل است در صورتیکه مثلاً برای اصل

اعتباری وجود نداشته باشد حال فرع بیچاره بنودی خود معلوم است. اما مطلب مهمی که در این زمینه بایستی مورد مطالعه قرار گیرد این است که آیا برآستی این جامعه است که احترام و حیثیت وکلاء دادگستری اهدا کرده؟ یا واقعاً عامل دیگری هم در کار است؟ و مثلاً اگر بفرض محال وکلاء دادگستری یونان را دسته‌جمعی به آمریکا ببرند و وکلاء دادگستری آمریکا را جمعاً بیونان نقل مکان بدهند انجام این سفر موجب خواهد شد که اعتبار وکلاء دادگستری آمریکا ناگهان از بین برود و بالعکس؟ بالاخره کنکاش و تحقیق در این مسئله که (مقام وکیل دادگستری امری مربوط بنودی و کاراکتر و شخصیت اوست یا اینکه مطلبی مربوط به جامعه است؟) ضروری است.

در پاسخ این سؤال بایستی گفت: مسلم است که نمیتوان این احترام و حیثیت را بطور مطلق از فرد وکیل دانست و همچنین منطقی نیست که این اهمیت و اعتبار را یکجا منبعث از جامعه بدانیم چون ناگفته واضح است که اگر کسی چیزی را داشته باشد ولی فاقد لیاقت نگاهداری آن باشد دیر یا زود آنرا از دست خواهد داد.

ولی اگر بخواهیم منصفانه جواب دهیم باید بگوئیم این مطلب از جهات بسیاری بجامعه و از جهاتی هم بشخص وکیل بستگی دارد. پرواضح است که در يك جامعه کیفیت پیشرفت امور در سازمانهای اداری و بخصوص دادگستری نهایت ارتباط را به موقعیت وکلاء دادگستری دارد، اگر بخواهیم مطلب را مختصر کنیم و بمثال کوچک و بظاهر بی‌اهمیتی اشاره کنیم ملاحظه خواهید فرمود که ارتباط کار دادگستری با وکالت تاچه اندازه است. مثلاً همینکه بموکل بگوئید دیروز دادخواست شما را بدادگاه داده‌ام و یک وقت هشت‌ماهه جهت رسیدگی به پرونده شما تعیین کرده‌اند تا چه اندازه باعتبار و آبروی وکیل لطمه میخورد و موکل بزودی متوجه میشود که در غرقابی افتاده است که باین زودپها امید نجات از آن برایش وجود ندارد و باید پیه چندین سال انتظار و رفت و آمد در کریدورهای دادگستری را بتن خود بمالد. خوشبختانه با تغییراتی که اخیراً در قوانین چندین سال انتظار و رفت و آمد در کریدورهای دادگستری را بتن خود بمالد. خوشبختانه با تغییراتی که اخیراً در قوانین صورت گرفته است دیگر این چنین مثالهایی مصداق ندارد و اگر هم مورد داشته باشد مربوط بکثرت دعاوی است. بحث درمورد این مسئله و مسائل مشابه آن طولانی‌تر از این است که بتوان حتی برؤس آنها اشاره کرد و تنها بهمین جهت از ذکر آنها صرفنظر مینمائیم و بهمین مختصر اکتفا می‌ورزیم.

اما جهتی مورد نظر ما است که بشخص وکیل بستگی دارد در اینجا منظور از لفظ (شخص) شخص حسن و حسین و تقی و نقی نیست بلکه تصورات ذهنی و موقعیتی است که شخص یونانی یا امریکائی. فرانسوی یا ایرانی ازوکیل دادگستری دارد و این مطلب هم مربوط باعمال و رفتار بخصوص افراد به آن معنی که ما مثلاً کسی را خوب یا بد مینامیم نیست - بلکه بدان معنی است که رل و عمل وکیل دادگستری چیست؟ و بالاخره این مطلب مورد بحث ما است که چرا يك نفر امریکائی وقتی نام

وکیل را می‌شنود از جای خود برمی‌خیزد ولی وقتی يك يونانی لفظ (وکیل) را می‌شنود رنگش تغییر می‌کند و از ناراحتی کف برلب می‌آورد. اینکه اندیشه کنیم شاید شخص طرف بحث بجهتی خاص از يك وکیل دادگستری ناراحتی داشته است جواب منطقی نیست بلکه بررسی بیشتر در این چنین جوامعی می‌رساند که کار گلایه باظهار شکایت یکنفر و دونفر و صدنفر قطع نمی‌شود و این رشته سر دراز دارد تا آنجا که بسیاری از مردم هم که سروکاری باوکلاء دادگستری و حتی با دادگستری ندارند اینطور قضاوت می‌کنند. ممکن است خدای ناکرده بعضی از همکاران عزیزم از این صراحت لهجه ناراحت بشوند ولی همانطور که در صدر مقال عرض کردم باید حقیقت را گفت و درد را درمان کرد.

اکنون در اندیشه بررسی این مطلب هستیم که کیفیت عمل و رل وکیل دادگستری مثلا در امریکا چگونه است که باعث جلب اعتماد مردم و حیثیت و شرف و اعتبار برای خود او میگردد و شخصیت وکیل دادگستری در کشوری مانند یونان فی‌المثل چگونه است که حتی ذکر نامش نیز بغض و ناراحتی ایجاد میکند؟ اگر این علت را دانستیم درد را شناخته‌ایم و مسلم است که اگر درد را شناختیم معالجه آسان میگردد اما بشرط اینکه خودمان هم بخواهیم.

علت اینکه وکیل امریکائی دارای شأن و مقام است ولی وکیل کشور دیگری آن شأن و مقام را ندارد در لباس آنها است!!! عجیب است مگر لباس چه رلی میتواند داشته باشد که این اندازه در سرنوشت شخص مؤثر باشد؟ تعجب نفرمائید اشتباه نکردم وکیل امریکائی لباس صلح و شیخوخیت و بزرگواری در بر کرده ولی وکیل یونان و کشورهایی که روش وکالت در آنها مشابه مملکت اخیرالذکر است جنگ و ستیز و دادخواست و دعوا و بزندان میاندازم و بازداشت میکنم و چنین و چنان برای روشن کردن مطلب لازم است که توضیح دیگری بیان کنم.

همانطور که بیشتر سروران گرامی اطلاع دارند در کشوری بنام انگلستان یا امریکا وکیل دادگستری بمحض مراجعه موکل دست بقلم نمیبرد و دادخواست غلیظ و شدیدی علیه طرف نمیدهد یا شکایت پرآب و تابی از او نمیکند از موکل میخواهد که وکیل طرف را باو معرفی کند و چون در کشورهای مذکور مؤسسات و همچنین اشخاصی که کارهای قضائی و اداری دارند قطعاً وکیلی هم برای خود دارند تکلیف معلوم است ارزش مدارك و دلایل موکل و دلائل طرف در جلسه‌ای که وکلاء باهم قرار میگذارند بررسی میشود و این ارزشیابی اصولاً پس از انجام تبادل لوایح که جزو وظایف و کارهای وکلاء دادگستری است انجام میگردد و وکلاء نظر خود را به طرفین دعوی اطلاع میدهند و نتیجه‌ای که هر يك از آنها ممکن است از طرح دعوی عایدشان گردد برای آنان روشن میکنند در صورتیکه طرفین حاضر به صلح و سازش بودند که قضیه فی‌المجلس حل میشود درحالیکه طرفین مقادیر زیادی هزینه تحمل نکرده‌اند و مدت مدیدی از عمر خود را صرف جنجال بیمورد توأم با دلهره و اضطراب نکرده‌اند ولی در صورتیکه طرفین خواستند دعوی در دادگستری تعقیب گردد و موجب وجهت قانونی هم بتشخیص وکلاء

برای طرح دعوی وجود داشت اشکالی ندارد چون محاکم اصولاً برای همینگونه مسائل آماده‌اند اما پرواضح است که کار دادگاهها در این‌جا تاچه حد آسان و بیدردسر است. کارهای تبادل لوایح و بررسی مدارك و دلائل کاملاً انجام شده دیگر مشکلی از جهت ابلاغ (شناخته شد) و (شناخته نشد) وجود ندارد و دست دادگاه برای صدور رأی کاملاً باز است.

ملاحظه میفرمائید دیگر در این سیستم تردید و تکذیب و ادعای جمل و... موردی نمییابد یا اگر مصداقی پیدا کند بسیار کم و نادر است و همچنین التفات میفرمائید در چنین سیستمی چقدر کارهای دادگستری سبک میشود و از انبوه پرونده‌ها که تقریباً بزرگترین مشکل قضائی است تاچه حد کاسته میگردد و اما از جهت وکیل دادگستری این مطلب ناگفته پیدا است که در اینجا دیگر وکیل رل دژخیم و مهاجم را ندارد و مانند يك مشاور عاقل و دوست دانشمند میتواند مشکلات بزرگی را حل و فصل نماید بدون اینکه موجبات بدبینی و عناد و نفرت را در بین مردم فراهم کند و در عین حال موقعیت و حیثیت خود را محفوظ بدارد و ما که میبینیم یا میشنویم که همکاران ما در کشورهایی که نام آنها ذکر شد این چنین نقش انسانی و شرافتمدانه‌ای را بازی میکنند و قوانین کشورهای مذکور این موقعیت را برای آنان ایجاد کرده است امیدواری فراوانی نسبت به آتیه و کالت دادگستری در کشور خودمان احساس میکنیم.

اما وکیل دادگستری یونان عنوان وکیل دعاوی (دعواها) را دارد و بر روی تابلوی دفتر خود - قبول دعاوی خانوادگی - اداری - ثبتی - مالی - حقوقی و جزائی را ذکر کرده و خود را آماده نموده تا طرف را با تیغ بیدریغ خود براند - اکنون راه روشن است در صورتیکه وکلاء دادگستری بخواهند حیثیتی مشابه وکلاء دادگستری کشورهای پیشرفته پیدا کنند بایستی در درجه اول صلح و مسالمت و دوستی و وداد با جامعه را وجهه همت خود قرار دهند و طریقی را اتخاذ نمایند که پیشروان این هنر در آن راه گام برداشته‌اند والا همیشه و در همه حال کار بمنوال کنونی خواهد بود. محاسن و مزایای این طریق بحدی فراوان و زیاد است که احصاء و شمارش آن فهرست‌وار هم وقت زیادی خواهد گرفت ولی چون خوشبختانه قرائت‌کنندگان این مجله همگی از مردم روشنفکر و مطلع هستند و با اصطلاح سخن را روی پا صاحب‌دلان است بهمین حد بسنده میکنم و امیدوار هستم کلیه کسانی که بنحوی باکار و کالت و دادگستری سروکار دارند در این راه کوشش کنند. و جوینده یا بنده است.
